پذریفتن, قبول کردن

قبول کردن چیزی که پیشنهاد می شود گرفتن آن است.

من هدیه بسیار خوب دختر را پذیرفتم.

ترتیب دادن, سازماندهی کردن

چیدمان چیزها قرار دادن آنها در مکان های مناسب است.

لطفا پین های بولینگ را به ترتیب مرتب کنین تا بتوانیم بازی کنیم.

مراجعه كردن, حضور پیدا کردن

حضور پیدا کردن در چیزی یعنی رفتن به آن است.

من و خواهرم در یک مدرسه تحصیل می کنیم.

تعادل داشتن, تعادل برقرار کردن

تعادل برقرار کردن در چیزی از افتادن آن جلوگیری می کند.

ما دیدیم که یک فیل تعادل خودش را روی یک توپ برقرار می کند.

تضاد, تفاوت

تضاد تفاوت فاحش بین دو چیز است.

تفاوت بین والدینم بسیار مشهود است.

تشويق كردن, تقویت کردن

تشویق کردن کسی این است که او را ترغیب به انجام کاری کند.

مربی فوتبال من وقتی ما درحال باختن هستیم تشویق(به تلاش بیشتر) میکند.

آشنا

اگر کسی یا چیزی برای شما آشنا است ، شما او را به خوبی می شناسید.

این دو دوست با یکدیگر بسیار آشنا بودند.

گرفتن

چنگ زدن یا گرفتن به معنای تصرف کردن ناگهانی کسی یا چیزی است.

گلابی را از درخت گرفتم.

آویزان شدن, آویزان کردن, آویختن

آویزان کردن به دار آویختن چیزی است که بالای زمین نگه داشته شود.

من تصویری از خانواده ام را کشیدم و مادرم آن را به دیوار آویزان کرد.

بزرگ, عظیم

اگر چیزی عظیم باشد ، بسیار بزرگ است.

پدرم در محل کار رانندگی یک کامیون بزرگ را میکند.

لازم, واجب, ضروری

اگر کاری لازم است ، باید آن را انجام دهید.

هنگام سفر به کشور خارجه داشتن گذرنامه ضروری است.

الگو, طرح , شیوه

الگو روشی است که در آن کاری انجام می شود یا سازماندهی می شود.

شیوه مسواک زدن من مانند اکثر افراد است.

پیشنهاد دادن

پیشنهاد دادن چیزی این است که بگوییم باید انجام شود.

بابانوئل پیشنهاد کرد که من سعی کنم تمام سال پسر خوبی باشم.

هدف, دلیل, قصد

یک هدف دلیل این است که شما کاری را انجام می دهید.

هدف از ورزش پدا کردن اندام مناسب است.

رها کردن, آزاد کردن

رها کردن چیزی به معنای دست نگه داشتن از نگه داشتن آن است.

او پرنده را از دستانش آزاد کرد.

نیاز داشتن, لازم داشتن

نیاز به چیزی این است که بگوییم آن چیز ضروری است.

ما به معلمانی نیاز داریم که مدرک دانشگاهی داشته باشند.

تنها, تک

اگر چیزی تک است ، پس فقط یکی وجود دارد.

من یک تک کلید در دست دارم.

موفقیت, پیروزی

موفقیت انجام کاری به خوبی است که شما آنرا انتخاب کرده اید.

دخترم در مدرسه موفقیت بزرگی داشت.

پاره کردن

پاره کردن چیزی یعنی جدا کردن اجزایش است.

پاره کردن کاغذ آسان است.

تئوری

تئوری ایده ای در مورد چگونگی عملکرد چیزی است.

ما در کلاس در مورد نظریه نسبیت انیشتین صحبت کردیم.

آیا تا به حال فکر کرده اید که ماه و خورشید از کجا آمده اند؟ مردم اینوئیت آلاسکا نظریه ای در این مورد دارند.

آنها داستانی درباره یک دختر زیبا تعریف می کنند. او بسیار مهربان بود. در مقابل ، برادرش پسر کوچک بدجنس بود. یک روز او(برادرش) چیزی را پیشنهاد داد. وی گفت: "ما باید به یک مهمانی برویم." دختر قبول کرد.در ابتدا ، لازم بود که او آماده شود. موهایش را مرتب کرد و لباسهای زیبایی پوشید. این به زمان زیادی نیاز داشت. اما دختر سخت کار کرد و خیلی زود موفق شد. او عالی به نظر می رسید.

آنها با هم در این مهمانی شرکت کردند. دختر اوقات خوشی را داشت سپری میکرد. بعدتر وارد حمام شد. ناگهان چراغ ها خاموش شدند! شخصی موهای او را گرفت و لباسهایش را پاره کرد.دختر از دستشویی فرار کرد. او می خواست بداند چه کسی این کار را با او کرده است.

سپس او ایده ای به ذهنش رسید. دوباره موهایش را درست کرد. این بار موهایش حتی زیباتر بود. او حتی جواهرات زیبا را در آن قرار داد. او می خواست شخص را تشویق کند که دوباره آن را بگیرد. او خاک سیاه را در موهای خود قرار داد. هدف از این کار گرفتن شخص بود.

او دوباره به دستشویی رفت و این همان الگو(ی قبل) بود. چراغ ها خاموش شد و شخصی موهای او را گرفت. وقتی آن(موهای دختر) را آزاد کرد ، دستش سیاه بود. دختر به مهمانی برگشت. او می دانست که تنها یک نفر تنها با یک دست سیاه وجود دارد. وقتی او آن شخص را دید ، او بسیار آشنا بود. برادرش بود!

پسر بچه به سمت جنگل دوید. دختر به دنبال او دوید. هر دو آتش حمل کردند تا بتوانند در تاریکی ببینند. دود به هوا رفت. هرچه می دویدند ، رشد می کردند و بزرگ میشدند. آنها بزرگ و عظیم شدند. سپس آنها به آسمان رفتند. وقتی آتش دختر خاموش شد ، او در آسمان آویزان شد. او به ماه تبدیل شد و برادرش خورشید شد. آنها برای همیشه یکدیگر را تعقیب می کنند.